

بسم الله الرحمن الرحيم

دکتر سید محمود مرویان حسینی استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد ایران (نویسنده مسئول)،

marvian@razavi.ac.ir

دکتر علی جلائیان اکبرنیا استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی Jalaeyan@razavi.ac.ir

دکتر سید علی سجادی زاده. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی Sajjadizadeh@razavi.ac.ir

علی اکبر تولایی دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی Tavallaei@chmail.ir

عنوان: تحلیل انتقادی رویکردهای مبتنی بر دانش انسانی به اختلالات رفتاری و تبیین دیدگاه قرآن در این باره

چکیده

اختلالات رفتاری به معنای رفتار انحرافی حاد است که کنش‌های پزمرده‌گونه یا یورش‌آمیز را شکل می‌دهد. این رفتارها، مورد پسند اطرافیان و مخاطبان نیستند، ولی کنشگر از آنها احساس رضایت می‌نماید. این پژوهش به روش اکتشافی - تحلیلی، به دنبال ایجاد ارتباط معرفتی بین داده‌های استقرایی علوم انسانی و داده‌های تفسیری قرآنی می‌باشد. در گام نخست این جستار در مورد سرمنشأ پیدایش این اختلالات، چهار رویکرد ذیل، با عنوان عمومی رویکردهای مبتنی بر دانش انسانی، تبیین شده است: بیولوژیکی، روان‌تحلیل‌گری، رفتاری و انسان‌گرایی. پس از تبیین و نقد این دیدگاه‌ها، به تبیین نظریه قرآن‌بنیان اسلامی درباره بسترها و مناسی این اختلالات پرداخته شده است. دستاورد نوشتار آن است که هر یک از رویکردهای چهارگانه پیش گفته بیانگر بخشی از سرچشمه‌های اختلالات رفتاری هستند؛ اما به گونه‌ای فراگیر قابل استدلال نیستند. در رهاورد قرآنی، بنیادی‌ترین مایه ایجاد اختلالات رفتاری، خدا فراموشی است. پیامد این غفلت، به فراموشی سپردن گوهر ارزشمند وجود آدمی و اهداف اصلی آفرینش است، که نتیجه آن ایجاد ناهنجاری‌های رفتاری است. هدف از این تحقیق ارائه رویکردی مستدل، جامع و قرآنی، برای محققان علوم رفتاری به منظور شناسایی و تبیین عوامل و زمینه‌های این اختلالات در نظام عمل کرد آدمی است، تا بابتی جدید در این عرصه برای ایشان باز شود.

واژگان کلیدی: قرآن، اختلالات رفتاری، غفلت، خودفراموشی.

مقدمه

عبارت «اختلالات رفتاری» متشکل از دو واژه «اختلال» و «رفتار» می‌باشد. اختلال واژه‌ای است تازی که در زبان فارسی وارد شده است. ریشه آن در زبان عربی از «خلل» به معنای اضطراب (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲/ص ۱۸۰)، لاغر شدن و شکاف بین دو چیز است (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۱۹). در زبان عربی گفته می‌شود: «اختل الامر» کار سست و بی‌پایه شد، خراب و فاسد گردید (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۱۵). به لباس مندرس و کهنه، و شکاف لباس نیز «خل» می‌گویند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۶۵). فارسی شده آنرا، بی‌سروسامانی، بی‌نظمی و بی‌ترتیبی دانسته‌اند (هخدا، ذیل واژه). در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اختلال را به معنای ناهنجاری، «نوعی مریضی جسمی یا ذهنی» دانسته‌اند. (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ذیل واژه).

کلمه «رفتار» در زبان فارسی به صورت اسم مصدر و از مصدر رفتن مشتق شده (انوری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۶۴۶) و به معنای سلوک، روش و عکس العمل آمده است (دهخدا، ذیل واژه) برخی از لغت دانان به طرز معاشرت (مجموعه کارها و رابطه‌های اجتماعی یک شخص) رفتار می‌گویند. (انصاف پور، ۱۳۷۹، ص ۴۹۳). مترادف با «عمل» و «فعل» در زبان عربی است (فعالی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۲). ساده‌ترین تعریفی که از «رفتار» می‌توان به دست داد این است که، گفته شود رفتار یعنی: عملی که از فرد سر می‌زند یا سخنی که بر زبان می‌آورد (جولیوس گولد و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۴۱). اما در روانشناسی رفتاری این اصطلاح دقیق‌تر تعریف می‌شود: و به هر فعالیتی^۲ که ارگانیسم (جاندار)^۳ انجام می‌دهد و به وسیله ارگانیسمی دیگر یا یک ابزار اندازه‌گیری، قابل مشاهده یا اندازه‌گیری است رفتار اطلاق می‌گردد. بنابراین، رفتار هم شامل حرکات بیرونی، هم شامل حرکات درونی و هم شامل فعالیت غددی می‌گردد (سیف، ۱۴۰۲، ص ۴۱). در روانشناسی، «رفتار» مترادف با «پاسخ»^۴ و «عملکرد» (همان، ۴۲) آمده است (جولیوس گولد و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸).

با این حال، با مراجعه‌ای اجمالی به کتب روانشناسی، آشکار می‌گردد که شیوه‌ای دقیق و ساده برای توصیف اختلالات رفتاری وجود ندارد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۳۱؛ شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۱۳). برغم نبود تعریفی دقیق از این بیماری، اندیشمندان عرصه روانشناسی نکات مشترکی را که بر سر آن توافق نسبی دارند بیان نموده‌اند، که عبارتند از: افراطی بودن رفتارها، هیجانی و مزمن، عدم قبول آحاد جامعه، مانعی برای رشد افراد (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۱۶-۱۷) و برخی از آنان بر این باورند با ارتکاب عمل کار خوبی انجام می‌دهند.^۵ با توجه به این نکات مشترک اختلال رفتاری یعنی: رفتار انحرافی حاد، که شامل اعمال یورش‌آمیز و پزمرده‌گونه بوده و به دور از توقع طرف مقابل است و امید به توقف این رفتار را دارد، لکن مرتکب عمل احساس رضایتمندی از این رفتار را دارد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۳۱-۳۴).

اختلالات رفتاری، به عنوان یک واقعیت در زندگی انسان‌ها قابل انکار نیست. دانستن منشاء این اختلالات، دغدغه دانشمندان در طول قرن‌ها، بویژه دو قرن اخیر را برانگیخته است. برای شناخت منشاء این اختلالات، دانشمندان رویکردهای گوناگونی مبتنی بر ویژگی‌های زیستی، روانی، رفتاری و انسان محوری، برگزیده‌اند. پرسش بنیادین این پژوهش آن است که، قرآن مجید چه مؤلفه‌هایی را درباره سرچشمه ایجاد این اختلالات معرفی نموده است؟ رویکردهای پیش گفته تا چه میزان در شناساندن سرچشمه این اختلالات، راهگشا بوده‌اند؟ این جستار به روش توصیفی-اکتشافی و با بهره از منابع کتابخانه‌ای در پی تبیین دیدگاه‌های ذکر شده است. برای دست یافتن به این هدف، پس از تبیین رویکردهای دانش بشری به اختلالات رفتاری، به نقد و بیان کاستی‌های هر یک از رویکردها به صورت مختصر پرداخته شده است. در گام پسین، دیدگاه قرآنی در این باره تبیین شده است.

¹ Behaviour

² Activity

³ Organism

⁴ Response

^۵ . يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِبُونَ صُنْعًا؛ كهف/۱۰۴.

پژوهش‌های اختلالات رفتاری و مسائل آن با رویکردهایی شکل گرفته است. حسب جستجوی به عمل آمده، دانشورانی در عصر کنونی به دنبال بیان رویکردهای موجود در اختلالات رفتاری بوده‌اند. گزارشی از برخی نگاشته‌های آنها به شرح ذیل است:

جناب آقای ریتا ویکس و همکاران در کتاب مفصل «اختلالات رفتاری کودکان» (۱۳۸۰) ترجمه دکتر رضوانی، مهم‌ترین رویکردها به اختلالات رفتاری را تبیین نموده است. نویسنده در این کتاب به سه رویکرد زیستی، روان‌تحلیل‌گری و رفتارگرایی پرداخته و به میزان تأثیرگذاری آنها اشاره نموده است.

جناب آقای دکتر شکوهی یکتا و جمعی از همکاران خود در بخشی از کتاب «اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان» (۱۳۸۴) کوشیده‌اند تا مفهوم واضحی از این واقعیت جامعه بشری به مخاطبین خود ارائه نمایند.

در کتاب «اختلالات رفتاری کودکان و روشهای اصلاح و ترمیم آن» به خامه خانم دکتر سیف نراقی و همکاران به شایستگی به تبیین رویکردهای مبتنی به دانش بشری پرداخته است.

کتاب نقد ملاک‌های بهنجاری در روانشناسی با نگرش به منابع اسلامی در ذیل مباحث خود نیز اشاره‌ای به رویکردهای موجود در باب اختلالات رفتاری داشته است.

حسب جستجوی نگارنده مقالات فروانی درباره اختلالات رفتاری نگاشته شده است لکن در آنها غالباً به سراغ راهکارهای درمان رفته و به رویکردهای موجود در این زمینه توجه نگردیده است.

با وجود این تلاش‌های شایسته تحسین، پژوهشی را نمی‌توان یافت به شکلی مستقل به تبیین رویکردهای موجود به اختلالات رفتاری پرداخته باشد. در پژوهش حاضر ضمن تشریح رویکردهای موجود در بحث اختلالات رفتاری، نگاهی نقادانه و روان به این رویکردها شده است. وجه نوآوری دیگر پژوهش، استظهاری نوین از آیات قرآن در تبیین رویکردی قرآنی به این مقوله است.

این پژوهش به جهت بهره‌برداری از دانش‌های روان‌شناسی و رفتارشناسی و مبانی و تحلیل‌های قرآنی در قامت پژوهش‌های میان رشته‌ای قرار می‌گیرد. و به لحاظ تبیین موضوع اختلالات رفتاری در نگره قرآنی، در رده تفسیر موضوعی قرار دارد.

۱. رویکردهای مبتنی بر دانش انسانی

دانشمندان علوم مختلف نسبت به اعمال و رفتار آحاد جامعه رویکردهای متفاوتی دارند. پدیده‌های روانشناختی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آن را با چندین رویکرد تحلیل نموده‌اند. به گونه‌ای که هریک از این رویکردها سهمی در تصویر ما از تمامیت وجود هر فرد دارد. مراد از عبارت «رویکردهای مبتنی بر دانش بشری»، دستاوردهایی در مجموعه یافته‌های بشری است که تنها مبتنی بر تجارب، آزمایش‌ها و تحلیل‌های عقلانی بوده و از منبع وحی سود نجسته است.

در ارتباط با منشاء اختلالات رفتاری نیز رویکردهای گوناگونی مطرح بوده و اندیشمندان تلاش نموده‌اند تا با بهره‌گیری از دانش خود به تحلیل این پدیده بپردازند. در این بخش، پس از تبیین مختصر چهار رویکرد مطرح درباره اختلالات رفتاری به بررسی و نقد آنها به صورت مختصر پرداخته خواهد شد.

۱-۱. رویکرد بیولوژیکی

کهن‌ترین رویکرد به اختلالات رفتاری، رویکرد بیولوژیک است. نظریه بیولوژیکی در کلی‌ترین شکل خود، حکایت از این دارد که مهم‌ترین عامل ایجاد و رشد اختلالات رفتاری، عامل بیولوژیک است (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۴۹؛ شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۴۹). در این دیدگاه مغز آدمی با بیش از ده میلیارد یاخته عصبی و پیوندهای بی‌شمار بین آنها احتمالاً پیچیده‌ترین ساختار در عالم هستی می‌باشد. نخستین بار بقراط معتقد بود، فکر زمانی کارکرد خوبی دارد که ساختمان مغز سالم باشد. او بدن را منشأ همه رفتارها می‌دانست (همان).

به منظور درک بهتر چگونگی کارکرد عوامل بیولوژیک، لازم است ساختمان مغز، سیستم عصبی، کارکردهای بیوشیمیایی و همچنین تأثیرات ژنتیکی را به طور دقیق بررسی نمود. اما به طور اجمال می‌توان این طور گفت: اصولاً تمام رویدادهای روانی به نحوی متناظر با فعالیت مغز و دستگاه عصبی هستند. در رویکرد زیست‌شناختی با بررسی آدمی و انواع دیگر جانداران سعی می‌شود پیوند رفتار آشکار با رویدادهای برقی و شیمیایی که در بدن و بویژه در مغز و دستگاه عصبی صورت می‌گیرند، شناخته شود. این رویکرد در پی تعیین آن دسته از فرایندهای زیستی-عصبی است که زیربنای رفتار و فرایندهای ذهنی را تشکیل می‌دهند. برای مثال، در رویکرد زیستی به افسردگی، سعی می‌شود این اختلال برحسب تغییرات غیرعادی در میزان انتقال‌دهنده‌های عصبی تبیین شود. این انتقال‌دهنده‌های عصبی موادی شیمیایی هستند که در مغز تولید می‌شوند و ارتباط بین نورون‌ها^۱، یا یاخته‌های عصبی را میسر می‌سازند. (همان، ص ۴۹-۵۴).

۱-۱-۱. ارزیابی رویکرد بیولوژیکی

تأثیر هر یک از جسم و روح بر دیگری مسلم است، اما اینکه رفتار انسان نتیجه مستقیم عوامل بیولوژیک باشد و از عوامل تأثیرگذار دیگر غفلت شود، امری غیر قابل پذیرش است. امروزه بیشترین نقشی که برای عوامل بیولوژیک می‌توان قائل شد، تعامل پیچیده وراثت^۲ است. که نقش بسزایی در انسان‌ها دارد. «وراثت» شامل تمام عواملی می‌شود که در هنگام انعقاد نطفه فرد حضور دارند (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۵۸). ژن‌ها به طور غیرمستقیم در ساخت هوش، توانایی گویایی، رفتار اجتماعی و احساسات یا عاطفی بودن انسان نقش دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۳۱۹/۱).

اما به عقیده برخی صاحب نظران، رفتار آدمی به تنهایی، نتیجه مستقیم عوامل بیولوژیک نبوده و عوامل دیگری در نوع عملکرد آدمی نقش دارد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹-۱۴۰). رفتار انسان مانند بسیاری از پدیده‌ها، دارای علل جزئی متعدد است. که مجموع آنها، علت کلی بروز رفتار به شمار می‌آید. برای نمونه علامه طباطبایی غرایز را در صدور افعال موثر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۸۹). اراده یکی دیگر از اجزایی است که علامه بر نقش آن، در صدور رفتار تأکید دارد (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱). در آثار علامه به نقش «حال» «عادت» «ملکه» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۳۳۸) وسایل و ابزار فیزیکی (همان، ص ۷۵) شرایط زمانی و مکانی (همان، ج ۳، ص ۵۲) در صدور رفتار انسان نیز توجه شده است.

¹ Neurons

². heredity

۱-۲. رویکرد روان‌تحلیل‌گری

روان‌تحلیل‌گری یکی از روش‌های مهم روان‌درمانی است که توسط زیگموند فروید^۱ (۱۸۵۶-۱۹۳۹م) پی‌ریزی شد (شکر شکن، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۶۶). نظریه روان‌تحلیل‌گری^۲ زیگموند فروید اولین تلاش منظم قرن ۱۹ میلادی، به منظور درک اختلالات رفتاری با توجه به اصول روانشناختی است (شکر شکن، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۷۶).

شناخته‌شده‌ترین نظریه‌ای که در مورد اختلالات وجود دارد، این نظریه است (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۴). طرفداران این نظریه علت رفتار نامناسب را عوامل درونی می‌دانند و معتقدند در صورت شناخت عامل، مشکل فرد حل می‌شود (فرقانی رئیس، ۱۳۸۰، ص ۲۹). فرض بنیادی در نظریه فروید در آثار اولیه این است که بخش عمده رفتار، ریشه در فرآیندهای ناهوشیار^۳ دارد. عقیده فروید درباره ذهن ناهشیار با اشتیاق تمام مورد استقبال مردم آمریکا قرار گرفت (دوان پی، شولتز، ۱۳۸۴، ص ۴۵۳). فروید معتقد بود بسیاری از تکانه‌هایی^۴ که در دوره کودکی با منع، تنبیه والدین یا جامعه روبه‌رو شده‌اند، برخاسته از غریزه‌های درونی فرد هستند (مجد، ۱۳۸۶، ص ۵۵۷-۵۵۸). منع آنها فقط سبب می‌شود از حیطة آگاهانه به حیطة ناهوشیار رانده شده، همانجا ماندگار شوند و بر رؤیایها، لغزش‌های لفظی^۵، و اطوار قالبی^۶ اثر بگذارند و به‌صورت مشکلات هیجانی و نشانه‌های^۷ بیماری روانی، یا برعکس به‌شکل رفتارهای مورد پذیرش جامعه مانند فعالیت هنری و ادبی جلوه‌گر شوند. (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۳۸-۴۱)

فروید بعدها در تبیین و تشریح ساختار پویایی شخصیت انسان، تجدید نظر نموده (دوان پی، شولتز، ۱۳۸۴، ص ۴۶۸) و سازه‌های «نهاد»^۸، «خود»^۹ و «فراخود»^{۱۰} را پایه‌ریزی نموده است (شکر شکن، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۵). هسته مرکزی نظریه فروید درباره ذهن بشر، غریزه‌های خدادادی زیستی است. او بیان می‌دارد، دو غریزه در تمام افراد وجود دارد (همان، ص ۳۰۱): «ایروس»^{۱۱} یا غریزه زندگی که انرژی آن جنسی است. «تاناتوس»^{۱۲} یا غریزه مرگ، غریزه‌ای پرخاشگر که هدفش از بین بردن زندگی است. (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶).

این نظریه رشدی به دوران اولیه کودکی تأکید بسیار دارد (دوان پی، شولتز، ۱۳۸۴، ص ۴۴۷) و معتقد است، مشکلات روانی کودکان و بزرگسالان، از مشکلاتی ناشی می‌شوند که فرد در خلال چند سال اول زندگی تجربه کرده است (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲۶). وی معتقد است کلیه حوادث در ضمیر ناخودآگاه کودک نقش بسته و در رفتار و تصمیم‌گیری‌های افراد ظاهر می‌شود (فرقانی رئیس، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

¹ Sigmund Freud
² Psychoanalytic theory
³ unconscious
⁴ impulses
⁵ slip of speech
⁶ mannerisms
⁷ symptoms
⁸ Id
⁹ Ego
¹⁰ Superego
¹¹ Eros
¹² Thanatos

۱-۲-۱. ارزیابی رویکرد روان تحلیل گری

به رغم اصلاحاتی که در سالهای بعد در نظریه فروید ایجاد شده است، بسیاری از فرضیه‌های فروید، نقدپذیر هستند. بیشتر انتقادهایی که بر نظریه تحلیل روانی وارد می‌شود، از عدم ثبات آن حکایت دارد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲). مهم‌ترین این ایرادات عبارت است از:

۱-۲-۱-۱. ناممکن بودن روش تحقیق

فرآیندی که فروید در سر دارد، روانی، درونی و غالب اوقات ناخودآگاه است. از این رو، بررسی آن اگر غیرممکن نباشد، دشوار است (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۵-۳۱۶). اگر روانی و ناخودآگاه باشد، امکان بررسی آن وجود ندارد. چرا که غیر قابل دسترسی است و نمی‌توان بر پایه امری غیر قابل دسترسی، فرآیندی را سامان داد و نتایجی را به دست آورد. (ریتاویکس و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲)

۱-۲-۱-۲. افراط در اثر گذار دانستن غریزه جنسی

حتی برخی از نظریه‌پردازان، که بخش اعظم نظریه تحلیل روانی فروید را می‌پذیرند، به تاکید فروید در مورد لذت جنسی صحه نمی‌گذارند و سالهای اولیه عمر را پایه رشد نمی‌دانند (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲-۱۳۳). تصویر فرویدی از انسان، به مراتب حیوانی‌تر از تصویری است که داروین از انسان ارائه کرده است (هیلگارد، ۱۴۰۱، ص ۴۶۴). برای انحطاط انسان از مقام انسانیت و ورود به منزلت حیوانی، عاملی بالاتر از این سراغ نداریم که کنش‌ها و واکنش‌ها و گرایش‌های انسان را حاصل انباشتی از غرایز بدانیم. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۹۹) فروید نقش جنسیت و غریزه جنسی را در رشد شخصیت، محوری دانسته و نظریه خود را بر این اساس بنا نهاده است (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۶).

۱-۲-۱-۳. ناهم‌ترازی سلسه مراتب

فروید در تبیین مراحل رشد، معتقد است عمده انرژی حیاتی «لیبدو»^۱ روی یک عضو از بدن متمرکز است. این نظریه به هیچ وجه قابل اثبات نیست. ضمن اینکه جای این سوال باقی است که لیبدو چه سنخ از انواع انرژی هست؟ (هیلگارد، ۱۴۰۱، ص ۳۱۶-۳۱۹) بی‌پاسخ بودن این پرسش از سوی باورمندان به این دیدگاه، سبب وارد آمدن اشکالی بنیادین به مبانی آن خواهد شد.

۱-۳. رویکرد رفتاری

با فرارسیدن دهه دوم قرن بیستم، تجدید نظری جدی در علم روانشناسی صورت پذیرفت. این جنبش تازه، رفتارگرایی^۲ نام گرفت. رهبر این جنبش، روانشناس جوانی به نام جان. بی. واتسون^۳ بود. (دان بی شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶) مفهوم کلی نظریه یادگیری این است که اختلالات دوران کودکی به همان طریقی به کودک می‌رسد که سایر رفتارها به او می‌رسد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵). در این نظریه باور این است که رفتار نامناسب یا مشکل رفتاری به علت آموزش و یادگیری از محیط به تدریج به صورت تقریباً ثابت در رفتار فرد تجلی می‌کند (فرقانی رئیس، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

^۱ Libido

^۲ Behaviorism

^۳ John B. Watson

واتسون با انتشار اولین کتاب، از دیدگاه یک رفتارگرا، به رقابت با روان‌تحلیل‌گری پرداخته و اینگونه می‌نگارد: «روانشناسی، آنگونه که رفتارگرا آن را تلقی می‌کند، یک شاخه کاملاً عینی و آزمایشی از علوم طبیعی است» (شکر شکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۹). واتسون بر خلاف فروید، به رویدادهای قابل مشاهده تأکید داشت. و به ندرت درباره اثبات‌گرایی بحث می‌کرد بدینسان رفتارگرایان به جای استفاده از روش‌های بالینی، از روشهای آزمایشگاهی، عینی و تجربی استفاده می‌کردند (دان بی شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۸۷). در نتیجه می‌توان اینطور گفت: نظریه روانشناسی واتسون نشأت گرفته از نظریه تکامل است. (همان، ص ۲۸۸)

همان‌طور که واتسون بیان کرده است، تنها روش‌های عینی تحقیق در آزمایشگاه رفتارگرا پذیرفته می‌شوند لذا روش‌هایی را برای آن بیان نموده است. (شکر شکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۶) اما هرکدام از آنها جنبه متفاوتی از روند یادگیری را شرح می‌دهند، که در ادامه به تبیین مختصر آنها پرداخته خواهد شد.

۱-۳-۱. شرطی سازی کلاسیک

اصطلاح شرطی شدن کلاسیک نخستین بار توسط ایوان پاولف^۱، فیزیولوژیست روسی، پیشنهاد شد. مشاهده ابتدایی که پاولف را به سمت این نظریه سوق داد، این بود که بزاق دهان سگ‌ها صرفاً با دیدن کسی که قبلاً چندبار به آنها غذا داده‌است، ترشح می‌شود؛ حتی اگر شخص اکنون غذایی به همراه نداشته باشد. مطالعات واتسون که بر اساس الگوی پاولف صورت گرفته است، به دلیل تأثیر بسیاری که بر کاربرد شرطی شدن کلاسیک در مورد مشکلات انسان دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵).

بر این اساس جان واتسون بر این باور است که عواطف عمیق در انسان ممکن است از طریق شرطی شدن کلاسیک ایجاد شوند. نمونه‌هایی از این شرطی شدن عبارتند از: شرطی شدن ترس (که یک اختلال رفتاری است) در کودکانی با دیدن کلاه‌پوستی سفیدرنگ اشاره کرد؛ چرا که خرگوشی سفید سابقاً دست او را گاز گرفته بود (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۵۹).

پاولف گزارشی مقدماتی از یافته‌هایش را در سال ۱۹۲۳، پس از ۲۰ سال عرضه نمود. این فاصله طولانی تحقیق، نه تنها برگستره تحقیق بلکه به راستی و درستی تحقیقات پاولف شهادت می‌دهد (شکر شکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۱).

۱-۳-۲. شرطی کردن ابزاری

نظریه شرطی سازی ابزاری یا به اصطلاح ثرندایک^۲، فرآیندی که اولین بار توسط بی.اف. اسکینر^۳ شرح داده شده است. او معتقد بود که انسان و حیوان وقتی می‌خواهند چیز تازه‌ای یاد بگیرند از ابتدا موفق نمی‌شوند، بلکه در ابتدا لغزش‌هایی دارند که به تدریج از میزان لغزش‌های آنان کاسته می‌شود. به تعبیری، مشخص‌ترین یادگیری در انسانها و حیوانها، یادگیری از راه تجربه کردن است. این نوع یادگیری، کوشش و خطا نامیده شده است (دان بی شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹).

¹ Ivan Pavlov

² Thorndike

³ B. F. Skinner

این نظریه احتمالاً بیش از هر چشم انداز رفتاری دیگری، درباره اختلالات کودکان و نوجوانان به کار می‌آید. شرطی سازی ابزاری بر پیامدهای رفتاری تأکید دارد. رفتار را می‌توان از طریق فرایندهایی نظیر تقویت، خاموش سازی و تنبیه، آموزش یا کاهش داد و در بعضی شرایط از بین برد یا ابقا کرد. (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷-۱۳۸)

ثرندایک پس از تحقیقات خود عوامل و شرایط مؤثر بر یادگیری انسان را به شکل سه قانون اصلی ذیل معرفی کرد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳):

۱-۳-۲-۱. قانون اثر

نشان دهنده این واقعیت است که در جریان آزمایش و خطا، هرگاه بین محرک و پاسخ رابطه خوشایند و لذت بخشی پدید آید، آن رابطه تقویت می‌شود و برعکس، اگر با درد و رنج توأم باشد، از آن رابطه می‌کاهد. (سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۶)

۱-۳-۲-۲. قانون آمادگی

قانون یا اصلی در یادگیری است که ثرندایک کشف کرده است. بنابر این قانون، یادگیرنده زمانی موضوعی را یاد می‌گیرد که آمادگی بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و تجربی لازم را داشته باشد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳). برعکس اگر، آمادگی لازم را نداشته باشد انجام دادن آن برای وی رنج آور و ناگوار خواهد بود. (سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۷)

۱-۳-۲-۳. قانون تمرین و تکرار

هر قدر محرکی را که پاسخ رضایت بخش به دنبال دارد بیشتر تکرار کنیم، رابطه بین محرک و پاسخ مستحکم تر و پایدارتر خواهد شد، و بالعکس؛ یعنی بر اثر عدم تکرار، پیوند میان محرک و پاسخ ضعیف تر و سست تر می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳). ثرندایک معتقد است که تمرین باید متنوع، معنادار، هدفدار و به قدر کافی تقویت کننده باشد. (سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۸)

۱-۳-۳. یادگیری مشاهده ای

در نیمه دوم قرن بیستم، شخصی به نام آلبرت بندروا^۱ (۱۹۶۴) بیش از سایر پژوهشگران به یادگیری مشاهده ای^۲ یا الگوسازی توجه کرد. نظریه یادگیری اجتماعی، هم از اصول شرطی سازی کلاسیک و فعال استفاده نموده است و هم اصولی را جهت تبیین رفتار اجتماعی انسان اضافه کرده است. (بیابانگرد، ۱۳۹۰، ص ۳۱) او معتقد است بیشتر یادگیری های آدمی نه از طریق تجربه مستقیم بلکه به واسطه تجربه غیرمستقیم و شاهد و ناظر بودن بر تجربه دیگران، حاصل می‌شود (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۵۹-۶۰). بندروا مطالعات بسیاری در مورد پیدایش و درمان اختلالات رفتاری انجام داد. او در مطالعات خود نشان داد کودکان قادرند رفتارهای گوناگونی نظیر پرخاشگری، همکاری، مشارکت و.... را از طریق مشاهده دیگران یاد بگیرند. این مطالعه ها نشان می‌دهد که چگونه یادگیری مشاهده ای می‌تواند باعث ایجاد مشکل رفتاری یا درمان آن شود (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).

^۱ Albert Bandura

^۲Observational learning

به عقیده بندروا کودک اختلال رفتاری را از طریق مشاهده مدل می آموزد. بندروا در تجربه بسیار معروف خود فیلمی ۵ دقیقه‌ای را به کودکان نشان داد. در این فیلم یک بزرگسال نسبت به عروسکی رفتار پرخاشجویانه داشت، دسته‌ای از کودکان مشاهده کردند در صحنه آخر فیلم، برای رفتار پرخاشگرانه خود پاداش دریافت نمود، دسته‌ای دیگر تنبیه را مشاهده نمودند و دسته‌ای دیگر صحنه آخر را مشاهده نکردند. بعد از این فیلم هر کودک به تنهایی وارد اتاق بازی شد و آزادانه مشغول بازی گردید. همان طور که حدس زده می‌شد، افرادی که تنبیه آخر فیلم را مشاهده نموده بودند، رفتار پرخاشگری کمتری داشتند (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۶۰-۶۱). این مطالعه نشان داد که آموختن رفتار پرخاشجویی و نیز نحوه تظاهر آن توسط کودک، به پیامد رفتار مورد نظر بستگی دارد. اگرچه یادگیری مشاهده‌ای ساده به نظر می‌رسد، ولی فرایندی پیچیده است. چرا که متغیرهای متعددی بر فرایند تقلید تأثیر می‌گذارند. (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰)

۱-۳-۴. ارزیابی رویکرد رفتاری

رویکرد رفتاری برغم داشتن مزایای فراوانی چون قابل فهم بودن برای همگان، نشان دادن جزئی‌ترین مباحث، نشان دادن مراحل رشد انسانی، تأثیر فراوان بر کودکان و... با اشکالات عمده‌ای مواجه است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱-۳-۴-۱. تک بعدی بودن

آنچه که مسلم است، انسان با سایر موجودات عالم تفاوت اساسی دارد. ترکیب انسان از روح و بدن با همه اجزاء و ابعاد ویژه‌ای که دارد، حقیقی است؛ نه اعتباری، بنابراین انسان وجود واقعی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۹) به تعبیر شهید مطهری «انسان یک موجود مرکب است. این حقیقت را نباید فراموش کرد که در انسان واقعا دو «من» حاکم است». (مطهری، ۱۳۹۹، ص ۳۴) با توجه به این ویژگی منحصر به فرد انسان، به صرف انجام پژوهش‌های آزمایشگاهی نمی‌توان مدعی شناخت شخصیت انسان شد. این روش واتسون، قسمت‌های مهمی از روانشناسی را کنار گذاشته است. تأکید اولیه رفتارگرایی بر عینیت محض است، و از گسترش پژوهش به فرایندهای احساس و ادراک جلوگیری می‌کند (شکر شکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۸)

۱-۳-۴-۲. ماشین گرایی

دیدگاه رفتارگرایی انسان را موجودی خشک و بی‌روح مانند ماشین می‌داند. اگر تمام اجزای ماشین سالم باشد ماشین قادر به حرکت است و اگر در قسمتی از ماشین خللی ایجاد شود وسیله قادر به حرکت نیست. رفتارگرایان انسان را یک ماشین می‌دانند و بیان می‌دارند مفاهیمی مشترک بین انسان و ماشین وجود دارد. ماشین نیز همانند انسان قصد و احساس ندارد و انسان نیز کاملاً همانند ماشین درون داد^۱ و برون داد^۲ دارد که ما آنها را به صورت محرک و پاسخ می‌بینیم (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۵۲)

۱-۳-۴-۳. سطحی بودن

این رویکرد بسیار آسیب‌پذیر است زیرا فقط در حیطه رفتار است. نمی‌توان موضوع مورد مطالعه روانشناسی را صرفاً «رفتار» دانست؛ زیرا به موجب آن، واقعیت ابعاد مختلف روانی، چون انگیزه‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های دیگر ادراکی و انگیزشی، از مطالعه روانشناختی خارج شده، قلمرو روانشناسی فقط محدود و منحصر به رفتار خشک و بی‌معنی خواهد شد. اگر ابعاد

¹ input

² output

مختلف روانی از راه تجربه درونی مورد توجه باشد و با رفتار، تحت عنوان تجلیات ابعاد ادراکی و انگیزشی برخورد شود و نیز قانونمندی و ارتباطش با سایر ابعاد مختلف روانی مورد مطالعه قرار گیرد، رفتار مورد تحقیق روانشناسی، رفتاری است با معنا که از ابعاد روحی و شخصیتی فرد حکایت می‌کند. با نادیده انگاشتن بخش مهمی از ابعاد روانی انسان چگونه می‌توان رفتار انسان‌ها را پیش‌بینی یا مهار کرد؟ (شکر شکن، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸)

۴-۳-۱. تأکید بر یافته‌های عینی

هدف رفتارگرایان، ایجاد شاخه‌ای از روانشناسی براساس یافته‌های تجربی بود؛ یعنی اطلاعاتی که از رفتارهای قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری به دست می‌آمدند. روشی که این افراد بر آن تأکید می‌ورزند و بیش از اندازه برای آن اصالت قائل هستند، صرفاً می‌تواند واقعیت‌های مادی را مورد تحقیق قرار دهد، ولی همان‌طور اثبات گردیده است، موضوع روانشناسی فراتر از این است و نمی‌توان تنها به این روش بسنده نمود (همان).

۴-۱. رویکرد انسان‌گرایی

در آغاز سال ۱۹۶۰ جنبشی نو توسط «مازلو»^۱ در روانشناسی پدید آمد (دان بی شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۲۹). این جنبش که نیروی سوم در روانشناسی به‌شمار می‌آید، انسان‌گرایی^۲ نام گرفت. این جنبش، ادامه و یا شکل تجدید نظر شده مکتب‌های پیشین نبود، بلکه همان‌طور که از نام او پیداست نظریه‌ای تازه در روانشناسی بود که با مکاتب پیشین، تفاوت‌های چشم‌گیری داشت. (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۷۷)

انجمن روان‌شناسان انسان‌گرای آمریکا، این نهضت را چنین تعریف کرده‌اند: «روانشناسی انسان‌گرا شیوه‌ای است که همه روانشناسی، و نه حیطه خاصی از آن را در بر می‌گیرد و بر اصولی همچون احترام به ارزشهای فرد، عدم تعصب به روشهای پذیرفته شده دیگر و علاقه‌مندی به کشف جنبه‌های جدید رفتار انسان، تکیه دارد. این روانشناسی بیشتر متوجه موضوعاتی نظیر عشق، خلاقیت، حالت طبیعی و غیر تصنعی انسان و... که جای کمی در نظامها و نظریات موجود داشت می‌پردازد». (شکر شکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۳۵)

انسان‌گراها با توصیف انسان به صورت یک ماشین که به محرک‌ها پاسخ دهد موافق نبودند. همچنین با نظریه جبرگرایی فروید و تأکید او بر شناخت ماهیت انسان بر اساس تجربه بیماران روانی و اصرار فروید بر برخی غرایز و نیازهای زیستی به عنوان مفهوم سلامت روانی، مخالفت ورزیدند. (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۷۸) مزلو نیازهای انسانی را در پنج سطح طبقه‌بندی کرد که به هرم

^۱ Maslow

^۲ Humanism

مازلو شهره است^۱. هرم مازلو یک نظریه انگیزشی در علم روانشناسی است. این هرم، که به آن نظریه انگیزشی مازلو نیز گفته می‌شود، بیان می‌دارد در هر سطح، نیازهای خاصی وجود دارند که به فرد امکان احساس رضایت درونی را می‌دهند. مزلو عقیده داشت که ما پس از برآوردن نیازهای اولیه ادامه حیات، به سمت نیازهای روانشناختی بالاتر حرکت می‌کنیم (اسپنسر راتوس، ۱۳۸۳، ص ۴۹۳). مازلو بر این باور بود که افراد زمانی به اختلالات دچار می‌شوند که در راه رسیدن به خودشکوفایی ناکام می‌مانند. افرادی که احساسات واقعی خود را انکار می‌کنند، تجربه‌های خود را اشتباهاً به افراد دیگر یا به منابع ناشناخته نسبت می‌دهند (همان، ص ۶۶۰).

در این مکتب، انسان به منزله یک شخص، فردی با مشکلات و مسائل شخصی و منحصر به فرد، انسانی که بر تجارب و عملکرد او به صورت یک کل تاکید می‌شود و باید محور اساسی مباحث روانشناسی را تشکیل دهد، مطرح است (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۰۵). برای درک بهتر شخصیت از این دیدگاه، مفاهیم اصلی این نظام درباره شخصیت آدمی ذکر خواهد شد.

۱-۴-۱. تمرکز بر شخصیت سالم

قبل از مازلو، تمرکز مطالعات روانشناسی بر شخصیت افراد نابهنجار بود، بدیهی است زمانی که به مطالعه افراد معلول روانی پرداخته شود، یک روانشناسی ناقص به دست می‌آید. مزلو توجه خود را به سمت انسان‌های سالم برد و بدین وسیله تصور کاملی از انسان‌های سالم ارائه می‌دهد. به عقیده وی انسان سالم به لحاظ شخصیتی یکپارچه بوده، و از قید ترس‌ها و اضطراب‌ها و... آزاد است. مزلو باور داشت انسان‌ها می‌توانند توجه خود را به هر نوع کاری که به آنها عرضه می‌شود معطوف نمایند. به نظر مزلو هر زمان انسان به خویشتن خویش نزدیک شود از آنگونه بودن که دیگران انتظار دارند فاصله گرفته و خود را به فعلیت می‌رساند. (همان، ص ۴۶۴-۴۶۵)

^۱ سلسله مراتب نیازهای مازلو



۲-۴-۱. انگیزش

مهم‌ترین مفهوم فرایندی در نظریه مازلو، انگیزش است. یعنی نیازهای فطری، موجب انگیزش می‌شوند (ابوترابی، ۱۳۸۶: ۸۸). شرط دست یافتن به تحقق خود، ارضای چهارگروه از نیازهاست: الف: نیازهای جسمی^۱؛ ب: نیازهای ایمنی^۲؛ ج: نیازهای محبت و احساس وابستگی^۳؛ د: نیاز به احترام^۴ (همان، ص ۸۵-۸۶). هر نیازی باید به نوبه خود ارضاء شود پیش از آنکه نیاز بعدی سلسله مراتب نیازها بروز کند و ما را برانگیزاند. (دان بی شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳۳) اگر تمام نیازها را برآوریم، به سوی عالی‌ترین نیاز یعنی تحقق «خود» روی می‌آوریم. (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۸۳-۸۵) و طبیعی است هر زمان که این نیازها برآورده نشود انسان دچار اختلالات رفتاری می‌گردد (اسپنسر راتوس، ۱۳۸۳، ص ۶۶۰).

۳-۴-۱. خودشکوفایی

مازلو همه انسان‌ها را در آغاز تولد دارای سرشتی می‌داند که دربردارنده توانایی‌های بالقوه و نیازهای شبه غریزی است. افزون بر این، همه انسانها دارای گرایشی برای شکوفا کردن این توانایی‌های بالقوه هستند (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۸۲). یعنی انسان‌ها قادر هستند تمامی استعدادهای بالقوه خود را به فعلیت برسانند (دان بی شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳۳). مفهوم انسان خود شکوفا، نسبی است که از نخستین صفات خودشکوفایی یعنی دانستن تا والاترین مراحل که مازلو ذکر کرده، یعنی تجربه اوج را در بر می‌گیرد. (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۹۲) افراد خودشکوفا از روان‌رنجوری رها بوده و به عقیده مزلو تنها یک درصد جامعه را این افراد تشکیل می‌دهند. (دان بی شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳۳)

۴-۴-۱. ارزیابی رویکرد انسان گرایی

نظریه انسان گرایی مزایای متعددی دارد. به طوری که مورد استقبال معلمان قرار گرفت؛ زیرا دیدی خوشبینانه از دانش‌آموزان و استعدادشان برای آموختن به دست می‌دهد (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۸۰-۴۸۱). با این حال این رویکرد با اشکالات اساسی روبروست که در ادامه به اختصار به تعدادی از این اشکالات اشاره می‌شود (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۲-۲۴۲).

۱-۴-۴-۱. محدودیت توجه

در این دیدگاه مزلو تحقیق خود را متوجه افراد سالم کرده است و به نظر نمی‌رسد این نظریه بر احوال انسان‌های ناسالم و محروم که دچار اختلال جدی کارکرد، محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و یا اقتصادی هستند منطبق باشد. (همان، ص ۲۱۴-۲۱۹)

۲-۴-۴-۱. عدم صحت مراتب نیازها

شایسته بود ایشان در ابتدا فطرت را از غریزه و شناخت را از گرایش جدا کند. زیرا مسلم است انسان‌ها در کنار غریزه از فطرت برخوردارند. در انسان هم گرایش به غریزه و هم گرایش به فطرت وجود دارد (همان، ص ۲۲۲-۲۲۳). با وجود فطرت در انسان

^۱ نیازهای جسمانی عبارت است از نیاز آشکار به غذا، آب، هوا و... تمام نیازهایی که برای بقاء لازم است، به همین دلیل است که این نیازها نیرومندترین و اساسی‌ترین نیاز است..

^۲ نیازهای ایمنی عبارتند از: ثبات، حمایت، نظم و رهایی از اضطراب.

^۳ با ارتباط نزدیک و مهرآمیز با مردم نیاز محبت‌مان را برآورده می‌نمایم..

^۴ بعد از برآورده شدن سایر نیازها به احساس احترام نیاز پیدا می‌کنیم که خود دو گونه است ۱: احترام گذاردن دیگران به ما؛ ۲: احترام گذاردن خود به خویش.

سلسه مراتب نیازهای انسان متفاوت می‌گردد. ضمن این که بیشتر روان‌شناسان توانسته‌اند این سلسه مراتب را اثبات نمایند. (دان بی شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳۵)

۳-۴-۱. تک بعدی است

این نظریه بوجود تنها یک ویژگی یا حالت درونی تاکید می‌شود و اصولاً تحلیل‌های تک بعدی برای توضیح پذیری و تنوع زیادی که در رفتار آدمی وجود دارد، دشواری فراوانی ایجاد می‌کند. (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲-۲۲۳) ضمن اینکه از ویژگی‌های تک بعدی بودن این است که، به عواملی مانند تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیار کم اهمیت می‌دهند. (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵)

۲: رویکرد قرآنی

همان‌طور که گفته شد علی‌رغم آنکه روانشناسی جدید ادعای نفوذ در اعماق وجود انسان را دارد، هیچگاه نتوانسته رویکردی جامع به بیماری اختلالات رفتاری داشته باشد. ترکیب انسان از روح و بدن با همه اجزا و ابعاد ویژه‌ای که دارد، حقیقی است؛ نه اعتباری، بنابراین انسان وجود واقعی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۹) به تعبیر شهید مطهری «انسان یک موجود مرکب است، این حقیقت را نباید فراموش کرد که در انسان واقعاً دو «من» حاکم است». (مطهری، ۱۳۹۹، ص ۳۴) با توجه به این ویژگی منحصر به فرد انسان، انسانیت تا به یک مبداء و نقطه‌ای فراتر و بالاتر و عمیق‌تر از خرد انسانی متصل نباشد نمی‌تواند رویکردی صحیح نسبت به اختلالات رفتاری بیان نماید. از سویی دیگر، بیشتر آدمیان در آن حد از کمال و توانایی نیستند تا بتوانند رویکردی جامع و کامل برای شناخت اختلالات رفتاری بیان نمایند.

از دیگر سو، فراوانی نیازهای آدمی او را و می‌دارد که به زندگی اجتماعی تن دهد. وی در زندگی اجتماعی، نیازمند قانونی است که دارای ویژگی‌های حق‌مداری، الزام آور بودن عمومی، محفوظ ماندن از تغییرات بنیادی و قابلیت اجرایی داشتن باشد تا عدالت اجتماعی را به ارمغان آورد (مرویان حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۵). این سنن و قوانین، واسطه‌ای بین نقص انسان و کمال او است، که با شناخت آنها، انسان می‌تواند نگرشی استوار به زندگی پیدا کند. دقت در این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که در نهاد دین می‌توان این ویژگی‌ها را در حد مطلوب‌تری یافت. پروردگار متعال که خالق آدمی است، قوانینی برای زیست بشری قرار داد که بر اصل توحید استوار هستند و اساس آن را توحید قرار داد. که در نتیجه هم عقاید بشر، هم اخلاق، هم رفتار بشر را اصلاح می‌کند. به عبارتی دیگر اساس قوانین را دین قرار داد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۸۹) به تعبیر آیت الله جوادی آملی: انسانیت انسان و اصالت وجودی‌اش وابسته به قانونی می‌باشد که مطابق با فطرت است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۸) و قانون‌گذار الهی، بدین وسیله انسان‌ها را به سمت اهداف آفرینش سوق می‌دهد. در نظام معرفتی قرآن می‌توان اهداف آفرینش انسان بدین ترتیب کنار یکدیگر قرار داد:

۲-۱. عالم شدن

ابتدایی ترین هدف آفرینش جامعه بشری را می توان عالم شدن در نظر گرفت، چرا که فرمود: [اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا] (طلاق/۱۲): این آیه بیان گر این است که ذات اقدس اله، مجموعه آسمان و زمین و... را خلق کرده است تا انسان عالم شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۵). به تعبیر مفسران، «لتعلموا» اشاره به هدف خلقت در بخش علم است (همان، ۱۳۹۵، ص ۳۰۸).

۲-۲. آباد نمودن زمین

در مرحله ثانوی خداوند از جامعه بشری خواسته است تا بعد از عالم شدن به آباد کردن زمین همت گمارند. لذا فرمود: [وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوا لَهُ ثُمَّ تُوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ] (هود/۶۱). به تعبیر بزرگان، استعمار از واژه های بسیار لطیف و شیرین و پربرکت قرآن کریم است. «الف، سین و تاء» در «استعمرکم» برای طلب و تحقیق است، نظیر استجابت؛ «استعمرکم» یعنی خداوند زمین را با همه نعمتهای آن مانند آب و خاک و عناصر فراوان و مناسب آفرید و این سفره را برای انسان ها پهن نمود و از انسان خواست که زمین را برای خود آباد نموده و مستقل باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۵). کلمه «عمار» به معنای آباد کردن چیزی است تا اثر مطلوب را دارا شود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۸۶). به همین دلیل خداوند انسان را خلق نمود و برای او این هدف را در فطرتش قرار داد تا به مرور زمان با تصرفاتی که در زمین دارد به آباد کردن آن پرداخته و احتیاجات خود را برطرف نماید (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۳۰۹-۳۱۱) و به یقین خداوند در آباد کردن زمین انسان را یاری می دهد، زیرا از سویی همه هدف های فراروی انسان را مشخص و اندازه گیری کرد، از سوی دیگر، راه و ابزار حرکت را فراهم نمود و از سوی سوم، ساختار درونی وی را با موهبت نیاز و خردورزی هماهنگ و مجهز ساخت، تا با به کار بستن آنها و پیمودن راه درست به مقصد برسد؛ چنین فرایندی، هدایت کامل است. (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۳۹، ص ۳۷-۳۸) با آباد شدن زمین توسط انسان عالم، زمینه بندگی خداوند که هدف دیگر خلقت انسان است فراهم می گردد.

۲-۳. عبادت گری برای خالق

نتیجه عالم شدن و آباد نمودن زمین این خواهد بود که آدمی به بندگی خداوند روی خواهد آورد، لذا مشاهده می نمایم در نهایت اختصار و فشرده گی خداوند با آیه: [وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ] (ذاریات/۵۶)، پرده از حقیقتی که همه انسان ها خواهان آگاهی از آنند، برمی دارد و به این سوال اساسی اینطور پاسخ می دهد که یکی از اصلی ترین اهداف آفرینش انسان عابد شدن او است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۳۸۶-۳۸۹) عبادت به معنای اطاعت است و اطاعت یعنی تنظیم کارها و انجام رفتارها بر اساس رهنمود خدا (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۸). به گفته مفسران بزرگ عبادت نیز هدف متوسط است و هدف نهایی، لقای خداوند است. (همان، ۱۳۸۵، ص ۳۹۱)

۲-۴. غفلت از اهداف، سرمنشاء اختلالات رفتاری

با توجه به این چیش اهداف می توان ادعا نمود از نظر قرآن کریم ریشه تمام مفاسد روحی و روانی به یک چیز بر می گردد، و آن غفلت از اهداف خلقت بویژه هدف نهایی خلقت آدمی یعنی فراموشی خداوند است.

غفلت واژه‌ای عربی، به معنای ترک کردن چیزی (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۳) یا بی‌خبری نسبت به امری مهم، است. و در سوی مقابل آن، مفاهیم هوشیاری، توجه و آگاهی قرار دارد. به تعبیر دیگر غفلت یعنی برگرداندن توجه ذهن از امری که شایسته توجه است. (قراملکی، ۱۴۰۰، ص ۲۶۱) و غافل به شخصی اطلاق می‌گردد که غفلت و بی‌خبری در وی مستقر شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۵۷۲) این طایفه، همان گروهی هستند که خود اصلی را رها نموده و یاد خدا را از دست داده‌ند.^۱

در آموزه‌های حدیثی نیز غفلت، به عنوان گمراه کننده جان‌ها و سرمنشاء انواع رفتارهای اختلال‌گونه آدمی معرفی شده است. چرا که امیر بیان (علیه السلام) فرمود: *الْغَفْلَةُ ضَلَالُ النَّفُوسِ وَ عَنَوَانُ النَّحُوسِ*؛ غفلت، سبب گمراهی جانها و سرمنشاء انواع بدبختی‌ها است^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۵). زیرا غفلت از نزاهت روح، غفلت از جان خود شخص است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۹۳-۳۹۴). غفلت از هویت، هدف وجود، باطن و دل و روح انسانی، نسیان نفس و فراموشی است (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۱/۲۹)؛ و آنان که خدا فراموشی را پیشه خود ساختند^۳، خداوند نیز به خود فراموشی، گرفتارشان کرده (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶) و فرمود: *نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ* [حشر/۱۹]؛ «نسیان» مصدر فعل «نسوا» به معنای زایل شدن چیزی که در صفحه خاطر انسان نقش بسته و اکنون از ذهن رفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳). اما به صورت مطلق هم مورد استفاده قرا می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۱۹).

انسان، همواره در حال سیر به سوی خدا است و توقفی در این راه ندارد. لکن زمانی که انسان غافل از این مسیر، که مطابق با فطرت است گردد، لازمه آن این است که، حقیقت خویش را فراموش نموده و مجاری درونی خود را از دست می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۶۸۳). لذا اهداف آفرینش را نیز دنبال نمی‌نماید. به تعبیر دیگر، خدا فراموشی، خود فراموشی می‌آورد (زنجانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹۰). همان‌گونه که نبی گرامی اسلام^۴ فرمود: *مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ*؛ هر که خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است^۵ (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰، ص ۱۳). این حدیث عکس نقیض آیه قرآن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵) و می‌خواهد بفرماید بین خدایی که دارای اسمای حسنی است و انسان، رابطه وجودی برقرار است. (همان، ۱۳۷۹، ص ۲۷۴).

زمانی که انسان‌ها خدا را فراموش کردند، خدا هم نفوسشان را از یاد برد. یعنی خودشان را از یاد بردند. لذا به فکر خویش نیستند (همان، ص ۱۷۰). پیداست وقتی انسان وابسته و دلداده دنیا شد و در لذات مادی و حیوانی فرو رفت و هدف خود را فراموش نمود کم‌کم توجهش از درون کم می‌شود تا جایی که اصلاً به درون ذات خود نمی‌پردازد و در واقع حقیقت خود، و اهداف آفرینش خود را فراموش می‌کند (همان، ص ۱۳۸). زمانی که انسان به مرحله‌ای رسید که حقیقت خود را فراموش نمود، همه ادراکات حقیقی و اندیشه‌ها و علوم ناشی از کمالات حقیقی خود را از یاد می‌برد و به سمت جاهی می‌شتابد که باطن آن چاه است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶). و این همان وادی اختلالات رفتاری است.

^۱ استحوذ علیهم الشیطان فانسیهم ذکر الله؛ مجادلله/۹

^۲ نسیان الهی، بر اساس ادله عقلی و نقلی و قرائن داخلی و خارجی، همان تناسی و رها کردن عمدی است؛ جوادی آملی، عبد الله، *تفسیر تسنیم*، ج ۲۹، ص ۴۷.

آن زمان که، انسان آهنگ وجودی خدا را در زندگی خود فراموش نمود طبیعی است که خود را فراموش خواهد کرد. (همان، ۱۳۸۵، ص ۶۸۳) دلیل آن نیز روشن است، چرا که فراموشی پروردگار سبب می‌شود انسان در لذات مادی و شهوات حیوانی فرو رفته، و هدف آفرینش خود را به دست فراموشی بسپارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۴۰) به این ترتیب هویت و واقعیت خود را فراموش می‌کند (بهشتی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۱).

نتیجه این می‌شود که بر نفس خود اعتماد نموده و خود را مستقل می‌داند که در واقع چنین نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۲۰) واقعیت، هویت و هدف خود را نشناخته و در مسیر اهداف مهمی که خداوند برای انسان قرار داده است قرار نمی‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۲۹، ص ۵۹). لذا به سمت اهداف خیالی حرکت می‌نماید. بدین جهت در سیره عملی نبی‌گرامی اسلام □ مشاهده می‌نماییم با روشهایی نظیر: تقویت ایمان، رعایت احترام متقابل، گسترش صداقت و مهربانی، روحیه بخشی و... تلاش در از بین بردن غفلت نموده‌اند (علوی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۷-۲۷۴).

به اذعان بسیاری از بزرگان دینی، هر زمان که تالو انوار الهی از زندگی آحاد جامعه رخت بریست، انسان به خود واگذاشته خواهد شد و اهداف اصلی خود را رها نموده و به سمت اهداف خیالی حرکت می‌کند. این افراد همان‌هایی هستند که خداوند در مورد آنها می‌فرماید: [يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا؛ آنها تنها ظاهری از زندگی دنیا می‌دانند] (روم/۷). این گونه افراد می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند در حالی که چنین نیست^۱. چنین افرادی تنها به نتایج خیالی و لذا لذت مادی سوق پیدا می‌کنند و گمان این را دارند که این لذات زودگذر مادی است که سبب خوشبختی آنها می‌گردد. به همین دلیل بجای خدمت که فراوان در آیات و روایات نسبت به آن سفارش شده و سبب تعالی روح و جسم آدمی می‌گردد خیانت می‌کنند، در عوض نوع دوستی که سطح عالی روابط انسانی است که شامل عفو، گذشت، بخشش، مهر، عطوفت، نیکی و... است به خود کامگی روی می‌آورند، جایگزین مساعدت با مردم به دزدی و اختلاس می‌پردازد. بدیل نگاه امانت گونه به مسئولیت و منصب، آن را امتیاز ویژه‌ای برای خود می‌داند^۳.

^۱ الَّذِينَ ضَلَّ سَبِيلُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ همان کسان که کوشش ایشان در زندگی این دنیا تلف شده و پندارند که رفتار نیکو دارند: کهف/۱۰۴.

^۲ در قرآن از زبان حضرت عیسی می‌خوانیم: «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» («و مرا هر جا که هستم، پر برکت قرار ده.» حضرت صادق □ فرمود: «مقصود از «جَعَلَنِي مُبَارَكًا جَعَلَنِي مُبَارَكًا نَفَاعًا است؛ یعنی خدا! مرا بسیار سودمند و نفع رساننده (به مردم) قرار بده.»؛ قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۲۱۸.

يَأْتِي غُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ لِضَعْفَاءِ مُجِبِّينَا وَ أَهْلِ وَ لَائِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ الْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تَجَانِبِهِمْ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ بَهَاءٌ، قَدْ انْبَثَتْ بَلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ؛ آن دسته از علماء و دانشمندان شیعیان ما که در هدایت و رفع مشکلات دوستان و علاقه‌مندان ما تلاش کرده‌اند، روز قیامت در حالی وارد صحرای محشر می‌شوند که تاج کرامت بر سر نهاده و نور وی، همه‌جا را روشنایی می‌بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره‌مند خواهند شد. «البته باید توجه داشت که میزان فایده عالمان دینی در مسیر هدایت مردم متناسب با مراجعه و پیروی مردم از آنها خواهد بود؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی، منية المرید، ص ۱۱۹.

^۳ مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود این مطلب را اینگونه بیان می‌کند: نگاه اسلام به زمامداران و مسئولان جامعه، بسیار سخت‌گیرانه است. چنان نیست که قبول مسئولیت امتیازی ویژه قلمداد شود و مردم از هر سو برای رسیدن به آن بشتابند. مسئولیت در اسلام، امانتی الهی است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه‌ی ۵ نهج البلاغه خطاب به اشعث بن قیس -از کارگزاران حضرت در منطقه آذربایجان- این گونه می‌فرماید: «وَ إِنْ عَمَلْتَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»، یعنی حکمرانی برای تو طعمه نیست بلکه امانتی بر عهده‌ات است، رهبرانقلاب در این باره خطاب به مسئولین می‌فرمایند: «مسئولیت و منصبی که در نظام

برخی افراد ممکن است اینگونه اشخاص را عاقل بدانند و لکن در واقع اینگونه نیست. این افراد اگر در دنیا متوجه این بیماری خود نگردند، در قیامت متوجه وجود این اختلالات رفتاری در خود شده و به تعبیر بزرگان در آنجاست که می‌فهمد که دیوانه است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۲۹۹-۳۰۰).

با مراجعه به آیات قرآن این نکته نیز واضح می‌گردد که، انسان‌هایی که دچار اختلالات رفتاری می‌شوند علاوه بر این که سرمایه وجودی خود را از دست می‌دهند باعث از بین بردن سرمایه وجودی دیگران نیز می‌شوند. به تعبیر قرآن: [إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيَهُمْ..] (زمر/۱۵). علامه در تفسیر شریف المیزان می‌فرماید: خسارت نفس و اهل به این معنا است که انسان نفس آدمی را در معرض هلاکت و بدبختی قرار می‌دهد به طوری که استعداد کمالش از بین می‌رود و سعادت دنیا و آخرت از او و دیگران زائل می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۲۴۸-۲۴۹).

۱-۴-۲. نمونه‌هایی از اختلالات رفتاری

در منابع تخصصی نمونه‌هایی از اختلالات رفتاری بیان شده است که با توجه به مبانی پیش گفته، آموزه‌های دینی ریشه آنها را غفلت از هدف اصلی آفرینش تحلیل می‌نماید، چرا که فرمود: **الْعَقْلُ ضَلَالُ النَّفْسِ وَ عُنْوَانُ النَّحْوِسِ**؛ غفلت و بی‌خبری، گمراهی نفس و سرآغاز نحوستهاست^۱. (تمیمی آمدی، ص ۷۵). به تعبیر مقام معظم رهبری: عمده‌ی اشکالات ما به خاطر غفلتی است که از رفتار و اعمال خودمان می‌کنیم (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۲۵). به عنوان نمونه:

۱. در منابع تخصصی مواردی نظیر: افسردگی، اضطراب، ترس و... به عنوان اختلال رفتاری بیان شده است (ریتا ویکس و دیگران، ۱۳۸۷) که در آموزه‌های اسلامی درمان آن را ذکر دانسته‌اند چرا که عامل ایجاد آن غفلت بوده و درمان غفلت یاد خداوند است.^۱

۲. در برخی کتب دیگر، بیش‌فعالی، روان‌پریشی، مشکلات ذهنی به عنوان اختلالات رفتاری به شمار آمده است (فرقانی رئیسی، ۱۳۸۰) که امیر المومنین □ درمان آن را ذکر و یاد خداوند دانسته است.^۲

اسلامی داری، طعمه و سرمایه و کاسبی نیست - اشتباه نشود - مسئولیت در نظام اسلامی باری بر دوش انسان است که باید آن را به خاطر هدف و نیتی تحمل کند. «برداشت صحیح از مسئولیت اسلامی این چنین است..... بعضی‌مان این جوری هستیم - به مجرد اینکه یک مسندی، یک جایی، یا خالی میشود یا ممکن است خالی بشود، فوراً چشم میدوزیم که برویم آنجا! **بیانات پیش از آغاز جلسه درس خارج فقه درباره ثبت نام افراد در انتخابات مجلس**

۱۰/۰۹/۱۳۹۸

^۱ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ □ قَالَ: مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ كَرْبٌ أَوْ بَلَاءٌ أَوْ حُزْنٌ فَلْيَقُلْ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ مِنْ دُعَاءِ الْفَرَجِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ أَكْفِي مَا أَهْمَنِي؛ هر که هم یا غم یا کرب یا بلا یا شدت و محنتی به او برسد، باید که بگوید اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ مِنْ دُعَاءِ الْفَرَجِ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ أَكْفِي مَا أَهْمَنِي؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار (ط - بیروت)**، ج ۹۲، ص ۱۹۵.

^۲ عَنْ امير المومنين □ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَحْيَى اللَّهُ قَلْبَهُ وَ نَوَّرَ عَقْلَهُ؛ کسی که باید خدای پاک باشد، خدا دلش را زنده دارد و خردش را نیرو و روشنی بخشد؛ لیثی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم و المواعظ (للثی)**، ص ۴۵۸.

۳. دزدی، شرب خمر، مشکلات جنسی تعدادی دیگر از اختلالات رفتاری است (اختلالات رفتاری کودکان و روشهای اصلاح و ترمیم آن، ۱۳۹۸) که حضرات معصومین □ یادآور می‌شوند، مادامی که افراد از یاد خداوند غافل نگردیده باشند مبتلا به این اختلالات رفتاری نمی‌شوند^۱ و در زمان غفلت مبتلا به این اختلالات می‌گردند.

۴. با توجه به این رویکرد می‌توان این گونه ادعا نمود رفتارهایی نظیر شرک و نفاق که روانشناسان علوم رفتاری آن را در زمره اختلالات رفتاری نیاورده‌اند در واقع نوعی اختلال است. زیرا باعث می‌شود انسان‌های بریده از مبدا و معاد، نتوانند از عوامل مهلک و مخرب بر حوزه شخصیت خود جلوگیری نمایند (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۶۸۴). در نتیجه او را وارد در وادی اختلالات رفتاری می‌نماید.

در طرف مقابل، هر زمان آهنگ خدا بر سرزمین وجودی انسان‌ها حاکم گردید، و زمزمه‌های ترنم وحی بر جان آدمی حکم فرما شد، اهداف زندگی انسان‌ها از قوانین فردی و اجتماعی قرآن (اسراء/۹) با راهنمایی‌های اولیاء الهی همچون فانوسی در اقیانوس پرتلاطم زندگی می‌درخشد و همچون آهن‌ربایی باعث می‌گردد تا تمامی آحاد جوامع انسانی به سمت آن اهداف حرکت نمایند. با حرکت به سمت اهداف حقیقی، سرمایه‌های وجودی آدمی در مسیر درست رسیدن به این اهداف صرف می‌گردد. و زندگی متعادل در جوامع انسانی حکم فرما می‌شود.

۳. مقایسه تطبیقی رویکرد قرآنی با رویکردهای علوم انسانی

نظریه پردازی علمی قرآن، خبر دادن قرآن از حقایق علمی، قبل از تأیید آن در علوم است، که گاهی موجب توسعه یا تضییق حوزه‌ها و ابعاد علم می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص ۵۹). از جمله حوزه‌هایی که قرآن کریم در خصوص آن نظریه پردازی نموده است، نظام‌سازی سیاسی، تربیتی، اجتماعی و مانند آن با روش تفسیر موضوعی است که می‌تواند در جایگاه نظریه‌های علمی قرآن مطرح شود؛ چرا که شامل عناصر نوآمد و متمایز از نظام‌های همخوان در علوم جدید است (همان).

در موضوع رویکرد قرآن به اختلالات رفتاری، کتاب وحی الهی بر استفاده از تعالیم مربوط به علوم انسانی در ارائه رویکردی جامع نسبت به اختلالات رفتاری به مثابه پشتیبان تأکید نموده است.

رویکرد قرآنی با وجود نقدهای بنیادینی که به دیگر رویکردهای علوم انسانی دارد، در عین حال بین مولفه‌ها و آثار مثبت سایر رویکردها هماهنگی و انسجام ایجاد می‌نماید. بر این اساس، رویکرد قرآن کریم به اختلالات رفتاری، آسیب شناسی لازم برای زمینه‌ها و عوامل پیش آمده این اختلالات را مطرح نموده و راهبرهای پیشگیرانه و درمانی را ارائه می‌نماید. این رویکرد ضمن

^۱ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ □ إِذَا زَنَى الزَّانِي خَرَجَ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ فَإِنْ اسْتَعْفَرَ عَادَ إِلَيْهِ قَالَ □ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ □ لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَ هُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الشَّرَابَ حِينَ يَشْرَبُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ □ وَ كَانَ أَبِي □ يَقُولُ □ إِذَا زَنَى الزَّانِي فَارَقَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ فَلْتُمْ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ شَيْءٌ مَا أَوْ قَدْ انْخَلَعَ مِنْهُ أَجْمَعُ قَالَ لَا بَلْ فِيهِ فَإِذَا قَامَ عَادَ إِلَيْهِ رُوحُ الْإِيمَانِ؛ امام محمد باقر □ فرمود: هنگامی که

زانی مشغول زناکاری است حقیقت و روح ایمان از دل او بیرون شده است. پس اگر آمرزش طلبد، آن روح باو باز گردد، و گفت: رسول خدا □ فرمود: زناکار در حین زنا ایمان نخواهد داشت و مؤمن نیست، و می‌گسار در حین شرب مؤمن نیست، و سارق (دزد) حین سرقت مؤمن نخواهد بود، و امام باقر علیهم السلام فرمود پدرم □ می‌فرمود: هر گاه زناکار مشغول عمل شود روح ایمان از او مفارقت کند، گوید: پرسیدم: آیا از ایمان اندکی در قلب او میماند یا اینکه جملگی از او کناره می‌جوید؟ فرمود: نه بلکه علاقه‌اش باقی است چون برخیزد - یا توبه کند - باز خواهد گشت؛ ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، ج ۴، ص ۲۲.

حفظ نقاط قوت سایر رویکردها به موضوع اختلالات رفتاری از نقدهای وارده بر آنها مصون بوده و رویکردی مستدل و قابل قبول برای اختلالات رفتاری بیان می‌نماید

در مقام مقایسه رویکرد قرآنی در برخی مواضع، با رویکردهای علوم انسانی همگرایی نموده همچون: همگرایی با رویکرد رفتاری که اعلام می‌دارد فرزندان تأثیرپذیر رفتار و عملکرد والدین و محیط پیرامونی هستند^۱، و در برخی مواضع، نقش واگرایی با رویکردهای علوم انسانی نشان می‌دهد، همچون واگرایی با رویکرد روان‌تحلیلی فروید در باور به ذاتی بودن گزینه جنسی. (شکرشکن، ۱۳۹۹) و در برخی مواضع نیز همچون رویکردهای بیولوژیک و انسان‌گرایی به توسعه پرداخته است. (ابوترابی، ۱۳۸۰)

نتیجه‌گیری

رویکردهای بیولوژیکی، روان‌تحلیل‌گری، رفتاری و انسان‌گرایی در مقوله اختلالات رفتاری توصیه‌هایی را مبتنی بر نگرش خویش به انسان ارائه کرده‌اند. که برغم کارآمدی در مواردی خاص، در عین حال با یکدیگر تنافی و اختلافات پایه‌ای دارند.

نکته اساسی آن است که این رویکردها انسان را تک‌ساختی دیده‌اند و یا اگر به روان در کنار جسم توجه کرده‌اند، آن را انعکاسات و پیامدهای جسم تحلیل نموده‌اند. در حالی که در نگاه وحیانی، واقعیت آدمی ترکیبی از جسم و روح می‌باشد، که حقیقت آن به همان روح است. روح و فطرت، ظرف توجه به حقایق والای انسانی و مخاطب آرمان‌ها و اهداف آفرینش انسان و ترسیم آینده مطلوب است. براساس رویکرد قرآنی، سرمنشاء پیدایش اختلالات رفتاری، فراموش نمودن اهداف آفرینش انسان یا کم توجهی به آنهاست.

با توجه به آموزه‌های دینی، اساسی‌ترین توصیه پیشگیرانه و درمانی در مواجهه با اختلالات رفتاری، بازسازی فرایندهای ذکر و توجه به خداوند است و سایر درمان‌های موجود هنگامی نقش درمانگری خود را به درستی ایفا می‌نمایند که یاد خداوند در نهاد آدمی پایدار باشد.

در مقام مقایسه می‌توان اعلام نمود که، رویکرد قرآنی ضمن تایید نقاط قوت سایر رویکردها، نسبت به رویکرد بیولوژیک و انسان‌گرایی نگاه توسعه‌ای داشته و رویکرد رفتاری را در برخی موارد تایید و رویکرد روان‌تحلیل‌گری را در بعضی مواضع نقد می‌نماید.

کتاب نامه

۱. قرآن

۲. ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.

^۱ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □ عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ؛ به کودکان خود، آنچه را خداوند سودمندشان قرار داده است، بیاموزید؛ مجلسی، محمد باقر بن

محمد تقی، **بحار الأنوار** (ط - بیروت)، ج ۲، ص ۱۷.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۵. ابوترابی، علی، (۱۳۸۶ش)، **نقد ملاک های نابهنجاری در روانشناسی با نگرش به منابع اسلامی**، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۶. اسپنسر راتوس، (۱۳۸۳ش)، **روانشناسی عمومی**، تهران، ویرایش.
۷. انصاف پور، غلامرضا، (۱۳۷۹ش)، **کامل فرهنگ فارسی**، تهران، زوار.
۸. انوری، حسن، (۱۳۸۷ش)، **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران، سخن.
۹. بهشتی، محمد، (۱۴۰۰ش)، **آموزه های تربیتی قرآن کریم**، تهران، سمت.
۱۰. بوش، فرد، (۱۳۹۶ش)، **خلق یک ذهن روان تحلیل گرانه**، تهران، قطره.
۱۱. بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۹۰ش)، **روانشناسی نوجوان**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم، دار الکتاب الإسلامی.
۱۳. جوادی آملی، عبد الله، (۱۳۹۵ش)، **تفسیر انسان به انسان**، قم، اسراء.
۱۴. _____، (۱۳۹۹ش)، **تفسیر تسنیم**، قم، اسراء.
۱۵. _____، (۱۳۸۵ش)، **تفسیر موضوعی قرآن کریم (معاد در قرآن)**، قم، اسراء.
۱۶. _____، (۱۳۸۵ش)، **تفسیر موضوعی قرآن کریم (توحید در قرآن)**، قم، اسراء.
۱۷. _____، (۱۳۸۵ش)، **تفسیر موضوعی قرآن کریم (صورت و سیرت انسان در قرآن)**، قم، اسراء.
۱۸. _____، (۱۳۷۹ش)، **تفسیر موضوعی قرآن کریم (فطرت در قرآن)**، قم، اسراء.
۱۹. _____، (۱۳۸۸ش)، **تفسیر موضوعی قرآن (مبادی اخلاق در قرآن)**، قم، اسراء.
۲۰. _____، (۱۳۸۵ش)، **تفسیر موضوعی قرآن (جامعه در قرآن)**، قم، اسراء.
۲۱. _____، (۱۴۰۱ش)، **مفاتیح الحیاه**، قم، اسراء.
۲۲. جولیوس گولد و دیگران، محمد جواد زاهدی و دیگران، (۱۳۷۶ش)، **فرهنگ علوم اجتماعی**، تهران، مازیار.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۱ش)، **لغت نامه دهخدا**، تهران، چاپ سیروس.
۲۴. دوان پی، شولتز. سیدنی الن شولتز، ترجمه علی اکبر سیف و دیگران، (۱۳۸۴ش)، **تاریخ روانشناسی نوین**، تهران، انتشارات دوران.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة.
۲۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۹۴ش)، **تفسیر موضوعی قرآن و تربیت**، قم، تلاوت (وابسته به موسسه فرهنگی دارالقرآن الکریم).
۲۷. _____، (۱۳۹۶ش)، **مجموعه مقالات اعجاز علمی و نظریه پردازی**، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۲۸. زنجان، عباس علی عمید، (۱۳۷۷ش)، **فقه سیاسی (عمید)**، **فقه سیاسی (عمید)**، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۲۹. سیف، علی اکبر، (۱۴۰۱ش)، **روانشناسی پرورشی**، تهران، انتشارات آگاه.
۳۰. _____، (۱۴۰۲ش)، **تغییر رفتار و رفتار درمانی نظریه ها و روشها**، تهران، انتشارات دوران.
۳۱. سیف نراقی، مریم و دیگران، (۱۳۹۸ش)، **اختلالات رفتاری کودکان و روشهای اصلاح و ترمیم آن**، تهران، انتشارات روان - ویرایش - ارسباران.
۳۲. شجاعی، محمد صادق، (۱۳۸۵ش)، **دیدگاه های روان شناختی حضرت آیت الله مصباح یزدی**، تهران، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۳. شریعتمداری، علی، (۱۳۸۵ش)، **روانشناسی تربیتی**، تهران، امیرکبیر.
۳۴. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۹۲ش)، **روانشناسی رشد**، تهران، نشر اطلاعات.
۳۵. شکر شکن، حسین و دیگران، (۱۳۹۹ش)، **مکتبهای روانشناسی و نقد آن**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳۶. شکوهی یکتا، محسن و همکاران، (۱۳۸۴ش)، **اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان**، تهران، طبیب، تیمورزاده.
۳۷. _____، (۱۳۸۹ش)، **تعلیم و تربیت اسلامی**، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران.
۳۸. شولتز، دوان پی شولتز و سیدنی، الن، (۱۳۸۴ش)، **نظریه های شخصیت**، تهران، چاپ هفتم، ویرایش.
۳۹. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۸ش)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، امیرکبیر، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
۴۰. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرين**، حسینی اشکوری، احمد، تهران، مرتضوی.
۴۱. علوی، سید جعفر، (۱۳۸۵)، **روشهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مدیریت محیط های اجتماعی**، در: سالنامه، (۱۳۸۵)، شماره ۲۱-۲۲، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴۲. فرقانی رئیسی، شهلا، (۱۳۸۰ش)، **مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان**، موسسه فرهنگی منادی تربیت، تهران.
۴۳. فعالی، محمد تقی، (۱۳۹۷ش)، **مبانی سبک زندگی اسلامی**، تهران، تیماس (وابسته به موسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین).
۴۴. قراملکی، احدفرامرز، (۱۴۰۰ش)، **آینه خودیابی**، خراسان، انتشارات حوزه علمیه خراسان.
۴۵. لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ش)، **عیون الحکم و المواعظ (للیثی)**، قم، انتشارات دار الحدیث.
۴۶. مجد، محمد، (۱۳۸۶ش)، **انسان در مسیر زندگی**، تهران، مجد.
۴۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار (ط - بیروت)**، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی.
۴۸. مرویان حسینی، سید محمود، (۱۳۸۳ش)، **آسیب شناسی حکومت دینی از منظر نهج البلاغه**، در: سالنامه ۴ (۱۳۸۳)، شماره ۱۴، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

۴۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۹ش)، **آزادی معنوی**، تهران، صدرا.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، **تفسیر نمونه**، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۵۱. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، (۱۴۰۰ق)، **مصباح الشریعة**، بیروت، اعلمی.
۵۲. نلسون، ریتا ویکس و دیگران، (۱۳۸۰ش)، **اختلالهای رفتاری کودکان**، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۵۳. هیلگارد، اتکینسون و دیگران، (۱۴۰۱ش)، **زمینه روانشناسی**، تهران، رشد.

نسخه
چاپ
از انتشار